

آیت‌الله سید علی قاضی قدس سره

آیت‌الله سید علی قاضی قدس سره در سیزدهم ذی‌حجه سال ۱۲۸۵ق. (۱۲۴۸ش) در تبریز زاده شد. پدرش میرزا حسین قاضی طباطبایی، از عالمان آن دیار به‌شمار می‌آمد. حضرت آیت‌الله سید علی قاضی در سال ۱۳۱۳ق. به نجف اشرف مهاجرت کرد و مراتب علمی را یکی پس از دیگری پشت سر گذاشت و به بالاترین درجات اجتهاد و فضل رسید. به حدی در فنون ادبیات عرب استاد بود که می‌توانست اشعاری فصیح به زبان عربی بسراید؛ تا آنجا که متبحران ادبیات عرب نیز تشخیص نمی‌دادند که سراینده این اشعار، عرب‌زبان نیست. در فقه، اصول، تفسیر و... نیز مدارجی عالی طی کرد. مرحوم علامه طباطبایی رحمته‌الله علیه در روش تفسیری اش خود را مدیون ایشان می‌دانست و می‌گفت: «ما این روش تفسیری را از مرحوم قاضی داریم».

ایشان در عرفان و سیروسلوک شاگرد مرحوم سید احمد کربلایی بود و پس از سال‌ها طلب و تحمل رنج و مشقت در حرم حضرت ابوالفضل علیه السلام به مقصود عالی خویش نائل آمد. از خصوصیات بارز آن بزرگوار، تربیت شاگردانی بزرگ است. در سال‌های پربرکت حیات خویش، عالمانی چون شیخ محمدتقی آملی، علامه سید محمدحسین طباطبایی، آیت‌الله سید محمدحسن الهی، آیت‌الله شیخ محمدتقی بهجت، آیت‌الله نجابت شیرازی، آیت‌الله شیخ عباس قوچانی و بزرگ‌مردانی دیگر را -که هریک مایه وزانت جهانی بودند- تربیت کرد. از ایشان آثار مکتوب چندانی منتشر نشده، اما سخنان و رهنمودهای گران‌سنگش گاه از زبان یارانش بیان شده است. از جمله از حضرت آیت‌الله بهجت قدس سره نقل شده که «آقای قاضی می‌فرمود: «اگر کسی نمازهای پنجگانه را اول وقت بخواند، به [همه] مقامات عالیه می‌رسد، وگرنه مرا لعنت کند». نگفت خوب بخواند. معلوم می‌شود نماز اول وقت خواندن، حضور قلب آور هم هست».

آن وجود پُرئیمین و برکت چنان می‌زیست که اطرافیان با ملاحظه رفتار او منش و خلق و خوی معصومین علیهم السلام را به یاد می‌آوردند. صبر شگفت‌آور ایشان در برابر مشکلات مالی، نمونه‌ای از این رفتارها بود. ایشان عائله‌مند بود و فرزندان

بسیاری داشت، ولی از لحاظ مالی بسیار در مضیقه بود. با این حال تا آخر عمر، فقر و ناداری را بزرگ منشا نه تحمل کرد و جز به سوی خالق دست دراز نکرد. بزرگانی که از حالات ایشان بهتر خیر داشتند، این منش ایشان را توصیف می‌کردند. حضرت آیت‌الله بهجت قدس سره درباره یقین و اعتماد ایشان به خداوند متعال چنین می‌فرمود: «آن آقا با اینکه منقطع بود - أَشَدَّ الْأَقْطَاعِ، حتی از انقطاع طلاب منقطع‌تر بود؛ زیرا آنها راه خانه علما و مراجع را می‌دانستند، ولی او آن راهم نمی‌دانست - می‌گفت: هفتاد سال از عمرم گذشته یا بیشتر، ولی یک شب نشده است که بگویم، امشب شام نداریم.»

خانواده، دوستان و شاگردانش همیشه از مکارم اخلاق و محاسن کردار او گفته‌اند، اما حقیقت آن است که تنها بزرگانی چون خودش وی را شناخته‌اند و دیگران تنها جلوه‌هایی از حقیقت الهی او را درک کرده‌اند.

دیدن روی تورا دیده جان بین باید وین کجا مرتبه چشم جهان بین من است؟! آن دژ نادر دوران در ششم ربیع‌الاول ۱۳۶۶ ق. (۱۳۲۵ ش.) به دیدار محبوب شتافت و در قبرستان وادی السلام نجف به خاک سپرده شد و مقبره‌اش، هم‌اکنون مزار محبان شیعیان اهل بیت علیهم‌السلام است.

از حضرت آیت‌الله قاضی طباطبایی، وصیت‌نامه‌ای به جا مانده که در بخشی از آن چنین آمده است: «نماز را بازاری نکنید؛ اول وقت به جا بیاورید؛ با خضوع و خشوع. اگر نماز را تحفظ کردید، همه چیزتان محفوظ می‌ماند و تسبیح صدیقہ کبری علیها‌السلام و آیه‌الکرسی در تعقیب نماز ترک نشود... روضه هفتگی، ولود و سه نفر باشد، اسباب گشایش امور است...»

همچنین ایشان در اولین دیدار با علامه طباطبایی رحمه‌الله که در آن زمان طلبه جوانی بود، گفت: «پسرم اگر دنیا می‌خواهی نماز شب بخوان، اگر آخرت می‌خواهی نماز شب بخوان.»